



Sheikh M o h a m m a d H a s s a n V a k i l i

یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود؛ برگی از تاریخ وحدت وجود در شیعه

تاریخ انتشار: شنبه ۳ ربیع الثانی ۱۴۳۶

هو العالِم

حقیقت عالی توحید قرآنی و وحدت وجود در عصر صفویه چنان رواج یافت که تبدیل به یک عقیده عمومی شد و حتی در تاریخ آن عصر می‌خوانیم که یکی از پنج شاخصه شیعه در برابر سنیان عثمانی اعتقاد به وحدت وجود بوده است. لذا اعتقاد به توحید قرآنی و وحدت شخصیه وجود در همه جای فرهنگ شیعه سایه افکنده ... و

یکی از مظاهر این فرهنگ عمومی این جمله است که مادران از کودکی برای فرزندان خود در آغاز هر داستانی می‌گویند:

یکی بود یکی نبود، غیر از خدای مهربان هیچ کس نبود، یک مردی بود...

از عصر صفویه مسائل عرفانی و ولایتی چنان با فرهنگ عمومی شیعه آمیخته شده است که همه زوایای زندگی را تحت الشعاع قرار داده است.

اعتقاد به وجود خداوند در همه مکانها و ولایت تکوینی اهل بیت علیهم‌السلام که روزی فارق میان اهل عرفان با متکلمان و فقهای غیرعارف محسوب می‌شده است امروزه از مسلمات و عقائد عمومی شیعه محسوب می‌شود که کسی توان انکار آن را ندارد.

حقیقت عالی توحید قرآنی و وحدت وجود در عصر صفویه چنان رواج یافت که تبدیل به یک عقیده عمومی شد و حتی در تاریخ آن عصر می‌خوانیم که یکی از پنج شاخصه شیعه در برابر سنیان عثمانی اعتقاد به وحدت وجود بوده است. لذا اعتقاد به توحید قرآنی و وحدت شخصیه وجود در همه جای فرهنگ شیعه سایه افکنده و دانسته و ندانسته همه از ماء معین توحید به قدر خود بهره می‌برند. حتی امروزه جمعی از مخالفان عرفان هم ناخودآگاه به حقیقت وحدت وجود اعتراف می‌کنند گرچه از اسم آن فرار می‌کنند.

یکی از مظاهر این فرهنگ عمومی این جمله است که مادران از کودکی برای فرزندان خود در آغاز هر داستانی می‌گویند:

یکی بود یکی نبود، غیر از خدای مهربان هیچ کس نبود، یک مردی بود...

نگارنده هیچ منبعی را نیافتم که درباره تاریخ آغاز رواج این جمله بحث کرده باشد ولی مسلماً در عصر قاجاریه این جمله از مثلثهای شائع در میان جامعه بوده است. جمال زاده نیز اولین اثر خود را در داستان‌نویسی به سبک جدید و با الفاظ عامیانه به نام «یکی بود یکی نبود» نام نهاد که علامت رواج فراوان این جمله در ادبیات عمومی تنها جامعه شیعه یعنی جامعه ایرانیان بود.

در سالهای اخیر عده‌ای تلاش کرده‌اند که این جمله را تغییر داده و در ادبیات داستانی برای تبلیغات مسیحی جملاتی چون: «یکی بود یکی نبود یک پدر مهربان بود» یا در ادبیات های غیر دینی «یکی بود یکی نبود» بدون ادامه آن «غیر از خدا هیچ کس نبود» استفاده کنند.

در هر حال این جمله از دو جهت کودک را از همان آغاز با توحید حقیقی مأنوس و آشنا می‌کند:

جهت اول: عبارت «غیر از خدا هیچ کس نبود، یک مردی بود»

این جمله به صراحت می‌رساند که در عین اینکه غیر از خدا هیچ کس نبود ولی یک مردی بود، پس آن مرد (یا هر کسی که شخصیت اصلی داستان است) و تمام افراد مذکور در آن داستان در برابر خداوند متعال استقلال وجودی نداشته و نسبت به خداوند ربط محض و فقر محض می‌باشند و همه امور از آغاز تا پایان در دست خداوند متعال است.

جهت دوم: عبارت «یکی بود یکی نبود»

از این عبارت نیز همین حقیقت فهمیده می‌شود که آن یکی که بود در عین آنکه یکی بود ولی یکی نبود، یعنی از حیثیتی وحدت داشت و از حیثیتی وحدت او غیر از وحدتهای متعارف بود، وحدتش وحدتی عددی نبود بلکه وحدتی بود غیر عددی که فرض دومی برای آن محال بود و با این حال در درون خود با کثرت نیز به راحتی جمع می‌شد.

و چون در ادامه می‌گوید: «غیر از خدا هیچ کس نبود» معلوم می‌شود که این یکی همان خداوند سبحان و تعالی است.

حضرت علامه حسن زاده آملی در هزار و یک کلمه می‌فرماید:

«تبصره ۲: از این اصل به توحید حقیقی واجب الوجود آگاه می‌شوی که «حق (سبحانه) یکی هست و یکی نیست»، و به تعبیر رائج که در السنه سائر و دائر است «یکی بود و یکی نبود»، و به بیان استاد حضرت آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی (رضوان الله علیه): «یعنی یکی بود که حق (تعالی) واحد به وحدت صمدی است، و یکی نبود یعنی واحد به وحدت عددی نیست» فافهم. (هزار و یک کلمه، ج ۵، ص: ۳۲۸)

غرض از این عبارات اثبات وحدت شخصیه وجود نیست، بلکه ورق زدن برگه‌ای از تاریخ شیعه است که بر خلاف ادعای برخی از بی‌اطلاعان اعتقاد به توحید صمدی قرآنی آن قدر در میان شیعیان رواج داشته است که تربیت فرزندان خود را از روز اول با همین توحید آغاز نموده و به عنوان یک فرهنگ رائج در میان ایشان درآمده است.